



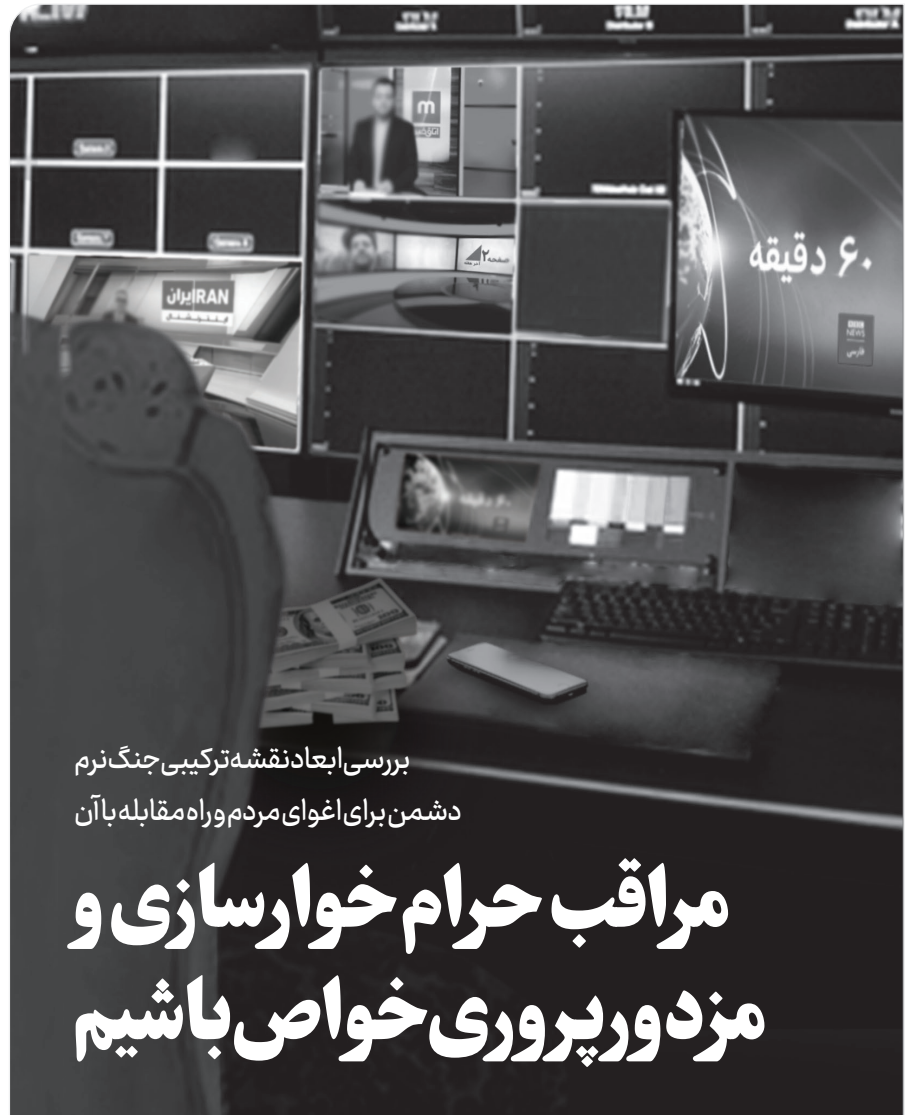
امروز که دشمن در رویارویی با انقلاب اسلامی، ناامیدتر اما جسورتر از همیشه است، صحنه رویارویی را در یک جنگ ترکیبی تعریف کرده است. جنگ نرم امروزی یکی از میدانهای پیچیده و سخت تهاجم دشمنان است. «چرا امروز جنگ نرم علیه ما این قدر سخت است؟ علت، این است که ما قوی شده ایم، ما قوی شده ایم. امروز جبهه ی حق از لحاظ زیرساخت ها، از لحاظ امکانات قوی شده. امروز چالش دشمن با جبهه ی حق آسان نیست، کار دشواری است.» (۱۴۰۰/۱۲/۱۹) اگر در هر جنگی، هدف و راهبرد دشمن شناسایی شود، پیروزی دست یافتنی و نزدیک تر خواهد شد. در واقع هدف دشمن این است که مردم را از پشتیبانی جمهوری اسلامی ناامید کند. «وقتی مردم حضور داشته باشند، یک کشور و یک ملت هیچ غمی نخواهد داشت، هیچ هراسی از کسی نخواهد داشت.» (۱۴۰۰/۱۲/۱۹)

گزارش
هفته



■ اغوای خواص، نقطه کانونی جنگ نرم

اگرچه هدف دشمن ناامیدسازی توده مردم از نظام اسلامی است؛ اما یکی از مهم ترین راه های دستیابی به این هدف شوم، اغوای خواص است. در طول تاریخ این خواص بوده اند که عهده دار هدایت یا گمراهی توده های مردم بوده اند. «هدف این است که توده های مردم مورد اغوا قرار بگیرند اما وسیله ی اغوای توده های مردم، اغوای خواص است. امروز یکی از کارهای مهم، اغوای خواص جامعه است، [یعنی] کسانی که عنوانی دارند و امکانی دارند و احياناً سوادى دارند و مانند اینها، چون وقتی خواص اغوا شدند، اگر به این خواص اغوا شده فرصت داده بشود و امکان داده بشود، راحت توده ی مردم را اغوا خواهند کرد. یکی از سنگین ترین جنگهای نرم تاریخ کشور ما امروز در همین زمینه در جریان است. دارند دائم با مزدورپروری، با حرام خوارسازی، با لطایف الحیل افرادی را حرام خوار میکنند؛ وقتی حرام خوار شد، مثل حیوان جلال، دیگر خیلی مشکل میشود او را از حرام خواری دور کرد.» **ادامه در صفحه ۳**



بررسی ابعاد نقشه ترکیبی جنگ نرم

دشمن برای اغوای مردم و راه مقابله با آن

مراقب حرام خوارسازی و مزدورپروری خواص باشیم

مناسبت | ۴

ایمان و تقوا، راه آبادی دنیا و آخرت است

درس اخلاق | ۳

وظیفه ما مقابله با جاهلیت و ردایل اخلاقی دنیای امروز است

سخن هفته | ۲

مروری بر فرصت های معنوی ماه مبارک شعبان المعظم و چگونگی بهره مندی بیشتر از آن

ماه معنویت ساز

شهادت هفته

خدای بزرگ مشتری جواهر قیمتی جان شهیدان است

این شماره تقدیم می شود به ارواح مطهر شهدای مدافع حرم، مرتضی سعید نژاد و احسان کربلایی پور

همسری یکی از شهیدان، جمله ای گفته بودند که من دیدم جمله ی بسیار مفید و پرمعنا و پرمعنایی است. این خانم میگوید که من خیال میکردم یک جواهر قیمتی را توانستم به دست بیاورم، بعد که رفت و شهید شد، فهمیدم که این جواهر یک مشتری بالاتر از من داشته و او خدای بزرگ است. این حرف، یک کتاب معنا و مضمون دارد که مشتری این جواهرات قیمتی، خدای بزرگ است. خدا مشتری است، مشتری این جنس با عظمت. (۱۳۹۷/۱۲/۲۲)



مروری بر فرصت‌های معنوی ماه مبارک شعبان المعظم و چگونگی بهره‌مندی بیشتر از آن

ماه معنویت‌ساز

دهلیز ماه مبارک رمضان

ماه‌های مبارک رجب، شعبان و رمضان («عید بندگان صالح خدا و اولیاءالله محسوب میشود؛ چون وقت مناجات و تضرع و توجه به حضرت ربّ الارباب است.» (۱۳۷۷/۰۷/۲۹) چون «این ماهها، فرصت بازبینی است.» (۱۳۸۱/۰۷/۱۷) (مشخصاً ماه شعبان با قطع نظر از این اعیاد هم ماه بسیار مهمی است.) (۱۴۰۰/۱۲/۱۹) ماهی که «پیغمبر تا لحظه‌ی مرگ هم، ماه شعبان و روزها و شبهای شعبان را گرامی میداشتند و همه‌ی شعبان‌ها در زندگی آن بزرگوار این‌طور بود.» (۱۳۸۶/۰۶/۰۴) در واقع این ایام «دالان و دهلیز ماه رمضان است.» (۱۳۸۳/۰۷/۱۳) ماهی که «بارش رحمت الهی است... یک ظرف زمانی بسیار ارزشمندی است برای بهره‌گیری از رحمت پروردگار.» (۱۳۹۶/۰۲/۱۰) وظیفه ما این است که «از این روزها استفاده کنیم و خودمان را در این وادی رحمت الهی به معنویت وارد کنیم و بهره‌بریم؛ اصل این است.» (۱۳۹۶/۰۲/۲۷)

فرصت‌های معنویت‌ساز

استفاده از فرصت در این ماه به این است که «بار مبنای معنویت خود را تکمیل نماییم. اگر ذخیره‌ی معنوی در وجود انسان از حدّ لازم پایین‌تر رود، انسان دچار لغزشها و گمراهی‌های بزرگی خواهد شد.» (۱۳۸۱/۰۷/۱۷) و نتیجه این می‌شود «آدمهای خبیثی که در دنیا مشاهده میکنید که یا ظالمند، یا سفاکند، یا پول‌پرستند، یا شهوت‌پرستند، یا شکم‌پرستند و ابعاد مادی بر وجود اینها غلبه کرده، اینها کسانی هستند که آن بُعد معناگرا را، معنویت‌گرا را در خودشان رشد ندادند، بتدریج ضعیف شده و از بین رفته.» (۱۳۹۵/۰۲/۰۱) بنابراین مهمترین برنامه در این ماه، «تقویت معنویت» است. از مهمترین راه‌های تقویت معنویت، «دعا» است و اساساً دعا «دل انسان را با خدا متصل و جان آدمی را سرشار از صفا و معنویت می‌کند.» (۱۳۷۷/۰۷/۲۹) از طرفی دیگر «ماه شعبان، ماه دعا و ماه عبادت است.» (۱۳۸۳/۰۷/۱۳) به عبارت بهتر، ماه «رجب، بیشتر ماه نماز است؛ شعبان، بیشتر ماه دعا و روزه است.» (۱۳۸۳/۰۷/۱۳) و نیز به این نکته توجه کنیم که در میان دعاها، «دعاهایی که از ائمه رسیده است، بهترین دعاهاست.» (۱۳۸۴/۰۷/۲۹) زیرا اولاً «اگر در معانی این دعاها تدبّر کنیم، بزرگترین هدیه‌های معنوی الهی را در اینها خواهیم یافت.» (۱۳۷۷/۰۷/۲۹) و ثانیاً «در خلال دعاها مذکور، نقطه‌های ضربه‌پذیر معنوی را به یاد ما می‌آورند و هشدار میدهند که ممکن است از این نقاط ضربه بخورید و آسیب ببینید.» (۱۳۷۳/۱۱/۲۸) لذا برای تقویت معنویت باید سراغ دعا‌های مأثوره برویم.

پُرشورترین مناجات‌عارفان

یکی از بهترین این دعاها، «مناجات شعبانیه» است. «خود این مناجات سُورانگیزی هم که روایت شده است و نقل شده است در این ماه، شاهد بر

عظمت این ماه است. این فقراتی که در این مناجات شریف و عزیز وجود دارد، در کمتر [جایی هست].» (۱۴۰۰/۱۲/۱۹) مناجات شعبانیه، از چند جهت ممتاز است. اول اینکه «یکی از دعا‌هایی است که لحن عارفانه و زبان شیوای آن، با مضامین بسیار والا و سرشار از معارف عالی‌بی همراه است که نظیر آن را در زبانهای معمولی و محاورات عادی نمی‌توان یافت.» (۱۳۶۹/۱۰/۰۱) «در دعا‌های معتبر خیلی معارف وجود دارد که انسان این‌ها را در هیچ جا پیدا نمی‌کند؛ جز در خود همین دعاها... مادر روایات و حتّی در نهج البلاغه از این‌گونه معارف کمتر می‌بینیم؛ اما در صحیفه‌ی سجاده‌ی و در دعای کمیل و در مناجات شعبانیه... فراوان می‌بینیم.» (۱۳۸۴/۰۷/۱۷) حضرت امام خمینی علیه السلام نیز توجه ویژه‌ای به مناجات شعبانیه داشتند: «بنده یک‌وقتی از امام بزرگوار سؤال کردم که در بین این دعا‌های مأثور از اهل بیت علیهم السلام، شما بیشتر دلبسته‌ی کدام دعا هستید و به آن انس دارید؛ فرمودند مناجات شعبانیه و دعای کمیل. ایشان، این مرد عارف پخته‌ی عمل‌کننده‌ی در راه خدا، به این دو دعا توجه داشتند.» (۱۳۹۶/۰۲/۲۷) هر دوی این دعاها از امیرالمؤمنین علیه السلام است و جالب اینکه «وقتی انسان مراجعه می‌کند به این دو دعا، دقت می‌کند، می‌بیند چقدر هم شبیه همدانند این دو دعا.» (۱۳۹۲/۰۳/۲۲) و «اتفاقاً هر دو دعا هم مال ماه شعبان است.» (۱۳۸۳/۰۷/۱۳) بنابراین «مناجات شعبانیه یک تحفه‌ای است که در اختیار ما قرار داده شده است.» (۱۳۹۲/۰۳/۲۲) و «نمونه‌ی کاملی از تضرع و وصف حال برگزیده‌ترین بندگان صالح خدا با معبود و محبوب خود و ذات مقدس ربوبی است.» (۱۳۶۹/۱۰/۰۱)

رمز توفیق امام و ائمت

بر این اساس، مهم‌ترین کار در ماه مبارک شعبان «در درجه‌ی اول، آمادگی به توجه و حضور قلب است؛ خود را در محضر علم الهی دانستن، در محضر خدا دانستن، همه‌ی حالات خود را، حرکات خود را، ثنات خود را، خطورات قلبی خود را در معرض و محضر علم الهی دانستن.» (۱۳۹۲/۰۲/۲۵) «یاد ماه شعبان و مناجات شعبانیه و معنویات این ماه و استقبال ماه مبارک رمضان، به ایشان [امام خمینی علیه السلام] حال و معنویت خاصی می‌داد.» (۱۳۸۸/۱۲/۱۰) «اگر امام بزرگوار بی‌نظیر ماکه واقعاً در میان مردم این زمان، نظیر برای ایشان نمی‌شناسیم... با این مفاهیم مأنوس نبود و با مناجات و دعا سروکار نداشت و اهل تضرع و استغفار و استغاثه و گریه و توسل نبود، بسیار بعید بود که خدای متعال این همه توفیق را به ایشان ارزانی بدارد.» (۱۳۶۸/۱۲/۱۰) لذا این نکته درس آموز است که «جامعه‌ی ما اگر جامعه تقوا و دعا و معنویت باشد، بسیاری از مشکلات مادی او هم قطعاً برطرف خواهد شد.» (۱۳۷۷/۱۰/۰۴) چنانکه «تا امروز هم

ملت ایران هر توفیقی پیدا کرده است، به برکت تکیه به معنویات آن را به دست آورده است... این معنویت را باید روز به روز زیاد کرد.» (۱۳۷۷/۰۷/۲۹) از مهمترین الزامات تقویت معنویت هم این است که بیماری‌های روحی خود را درمان کنیم، و بدانیم «بهترین کسی که می‌تواند بیماری ما را تشخیص دهد، خودمان هستیم. بیاورید روی کاغذ! بنویسید: حسد، بنویسید: بخل، بنویسید: بدخواهی برای دیگران... این‌ها را روی کاغذ بیاوریم.» (۱۳۷۱/۱۲/۰۴) سپس آنها را یکی یکی برطرف کنیم.

جُرعه‌ای از معنویت

از جمله نکات مهم در توجه به دعاها و مشخصاً مناجات شعبانیه دقت در مضامین و محتوای آنهاست: «تدبر و توجه به این مضامین و الفاظ و انس با آنها، برای یک‌یک کسانی که می‌خواهند به وظایف بزرگ خود عمل بکنند، واجب و لازم و ضروری است.» (۱۳۶۸/۱۲/۱۰) برخی از فرازهای برجسته این مناجات، دارای مضامین معنوی فوق‌العاده است: **الف)** و اسمع دعائی اذا دعوتک: «دعا اگر خوب خوانده بشود، آن وقت دعای یُسْمَع است... یک جور دعا خواندنی هست که خدا آن را نمی‌شنود. در دعا میخوانیم: «... و مِن دَعَاءٍ لَا یُسْمَعُ.» (۱۳۹۵/۰۴/۰۵) **ب)** و انرا بصار قلوبنا بضيءا نظرها الیک: «این نورانی کردن چشم دل و روشن کردن حقایق برای دل بیدار و چشم بصیر مؤمن، رایگان به دست نمی‌آید و بدون مجاهدت و تلاش و ارتباط با خدا، امکان ندارد تحقق پیدا کند.» (۱۳۶۸/۱۲/۱۰) **ج)** حتّی تخرق ابصار القلوب حجب التور: «حجابهایی که ما گرفتار و اسیرش هستیم و در آن‌ها دست و پا می‌زنیم - حجاب نام، حجاب نان، حجاب حسادتها، حجاب منیّتها - حجابهای ظلمانی و حیوانی است؛ اما کسانی که خود را از این حجابها خالص می‌کنند، باز حجابهای دیگری هم سرراشان وجود دارد که حجابهای نورانی است. ببینید گذر از این حجابها چقدر برای انسان، بالا و بالاست!» (۱۳۸۱/۰۷/۱۷) «این فقره‌ی اوج این دعا که امام علیه السلام مکرّر این فقره را در بیاناتشان ذکر میکردند: الّهی هب لی کمال الانقطاع الیک و اَیر ابصار قلوبنا بضيءا نظرها الیک حتّی تخرق ابصار القلوب حُجُب التور. ماها واقعا چه جوری میتوانیم اینها را بگویم؟ جلوی ما حجب ظلمانی هم یکی پس از دیگری هست، آن وقت درخواست این دعا این است که: حتّی تخرق ابصار القلوب حُجُب التور.» (۱۴۰۰/۱۲/۱۹) **د)** الّهی ما اظنک تردنی فی حاجة قد افنیت عمری فی طلبها منک: «این حاجت چیست؟ حاجتی که می‌گوید من همه‌ی عمرم را در طلب آن سپری کردم، عبارت است از مغفرت الهی. آموزش الهی به معنای اصلاح خطاهاست؛ به معنای جبران کردن ضربه‌هایی است که بر خودمان و بر دیگران وارد کردیم.» (۱۳۸۴/۰۸/۰۸)

ایمان و تقوا، راه آبادی دنیا و آخرت است

تقوای الهی، یعنی در این کارهایی که گفته شد، هر انسانی ملاحظه کند که چه کاری بر او لازم و واجب شده است، آن را انجام دهد، چه کاری برای او ممنوع شده است، آن را انجام ندهد. اگر مردمی این توفیق را پیدا کنند که این طور زندگی کنند، زندگی آنها از همه‌ی آنچه که شما از رشد زندگی ملتها در دوران معاصر و در تاریخ گذشته می بینید، بهتر خواهد شد. لذا قرآن می فرماید: «ولو ان اهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء والارض»^(۱)، یعنی خاصیت ایمان و تقوا فقط این نیست که دل انسانها آباد می شود، بلکه دست و جیب انسانها هم پر می شود، سفره‌ی انسانها هم رنگین و بازوی آنها قوی می گردد. ایمان و تقوا این خصوصیت را دارد. این برای نظام اسلامی، آن هدف عالی است. ● ۱۳۷۸/۶/۸

(۱) سوره اعراف: آیه ۹۶

درس اخلاق

وظیفه ما مقابله با جاهلیت و ردایل اخلاقی دنیای امروز است

یکی از مهم ترین شعارها و جهت گیری های پیامبر اکرم در بعثت، مقابله با جاهلیت بود. این جاهلیت چیست؟ مراد از این جاهلیت صرفاً بی سوادى و نادانى نیست؛ این جاهلیت معنای وسیع تری دارد؛ حُلُقِیَّاتِ پست، رفتارهای ددمنشانه‌ی مردم؛ آدمکشی شان، دزدی شان، تجاوزشان، حق کشی شان، ضعیف کشی شان که همه‌ی اینها رایج بود در بین مردم جزیره‌ی العرب، اینها جزو همان جاهلیت است. هرگز جنسی، هرچ و مرج جنسی، ابتدال اخلاقی، برچیده شدن بساط حیا از بین مردم؛ اینها جزو آن جاهلیت بود و بعثت با همه‌ی اینها به مقابله پرداخت. حالانکه‌ی مهم اینجاست که بسیاری از همان ردایل اخلاقی، امروز در دنیای به اصطلاح متمدّن غربی به شکل سازمان یافته و بسیار شدید تر و وسیع تر وجود دارد؛ پشت خیلی از این فسادها و مفاسد، منطقیهای مصنوعی درست شده، مبنای فکری برایش درست میکنند و به بشریت ارائه میکنند. پس باید چه بکنیم؟ همان کاری که نبی اکرم ﷺ در قبال آن جاهلیت انجام داد، امروز بر عهده‌ی ما است که در قبال این جاهلیت آن کارها را انجام بدهیم. ● ۱۴۰۰/۱۲/۱۰

خطبه های انقلاب

خود را با دعا و تضرع بیمه کنیم

جمهوری اسلامی، آن نظامی که باید با قلدرهای جهان مقابله کند؛ آن ملتی که باید با کوههای فساد در بیفتد؛ آن جامعه و نظامی که در مقابل هیچ قلدری سر خم نمیکنند و برای نجات انسانیت تلاش مینمایند، چنین جامعه و نظامی، در درون و در دل افراد خود باید درهایی به سوی دعا و تضرع باز کرده باشد. بدون این، نمیشود. اگر میخواهید در مقابل دشمن، استوار باشید، اگر میخواهید از کسی و چیزی ترسید، اگر میخواهید در مقابل جلوه‌های مادی تکان نخورید و تلغزید، باید خود را با دعا و تضرع بیمه کنید. و لذا شما ببینید امیرالمؤمنین علیه السلام، آن انسان شجاع، آن جنگجو، آن مرد بزرگ، آن حاکم قدرتمند و نیرومند؛ آن کسی که فکرو ذهن و عقل و حکمت و درس و معارف او برای فرزانه ترین فلاسفه و حکمای عالم درس است، از همه‌ی مردم زمان خود عابد تر و پیش خدای متعال گریه کننده تر و متضرع تر است. ● ۱۳۷۱/۱۲/۷

دارد، نشانه‌های آن ادعا در سیره و عملکرد و سبک زندگی فردی و اجتماعی وی باید هویدا باشد؛ چگونه؟ اول آنکه نگاه کنیم مقصد خط انتقادی که برخی افراد دارند کجاست؟ آیا همان خط سیاه نمایی و تباه جلوه دادن نظام و دستاوردهای آن را دنبال می کنند، یا آنکه در کنار بیان ثمرات انقلاب و دستاوردها و برکاتی که انقلاب اسلامی داشته است، نواقص و کمبودها را با کلامی روشن و دل سوزانه بیان می کنند؛ مطالبه گران واقعی انقلابی (برخورد بیگانه وار) ندارند؛ (در برخورد با آنچه شده، باید خانگی برخورد کنید، نه بیگانه وار و معترض. بالاخره کارهای زیادی انجام گرفته احیاناً کوتاهی هایی هم شده، اما باید مشکل را حل کرد. نباید نتیجه قهری نحوه بیان این باشد که بعد از چندی انسان احساس کند که به کل مجموعه به شدت معترض است.) ● ۱۳۸۲/۸/۱۰

باید دید آیا مظهر انقلابی گری در سلوک فردی و اجتماعی آن ها عیان است؟ آیا متمایل به اشرافی گری هستند یا ساده زیست و خو گرفته با دست گیری از مستضعفان اند؟ مشی شان استکبار ستیزی است یا در اندیشه تسلیم در برابر بیگانگان اند؟ «کسی که زندگی اشرافی را دنبال می کند و اصلاً حرکتش حرکت اشرافی است، نمی تواند شعار حمایت از پابرنه ها را قبول داشته باشد. شعار انقلاب شعار حمایت از مستضعفین و حمایت از پابرنه ها است؛ افرادی که دنبال زندگی اشرافی هستند و حرکتشان حرکت اشراف منشانه است، نمی توانند به این شعار وفادار باشند. شعار انقلاب مقابله با استکبار، حرکت استکباری و قدرت های استکباری است؛ این کسانی که دم از تسلیم در مقابل استکبار و آمریکا می زنند، نمی توانند به این انقلاب و به این هدف ها پای بند باشند.» ● ۱۴۰۰/۱۱/۲۸

القای هراس با اغوای خواص

ملت ایران با بصیرت خود، توانایی شناخت تناقض نمایی سخن و رفتار خواص اغوا شده و دلسوز نمایان انقلاب را دارد. و بر اساس تجربه تاریخی خود دچار اشتباهات محاسباتی و اغوای برخی خواص نشده و تحت تاثیر تصویرهای ناامید کننده و موهوم و ترس آلود برخی خواص منحرف قرار نخواهند گرفت، عده ای که هراس گاهی حتی از جانب مردم هم صحبت می کنند و مدعی می شوند مردم از انقلاب خسته شده اند، سخنی که خالی از واقعیت بوده و ناشی از بی انگیزه شدن برخی انقلابیون سابق است. «بعضی ها با نام عقلانیت، با نام اعتدال، با نام پرهیز از جنجال و دردسر بین المللی، می خواهند از میانی انقلاب و اصول انقلاب کم بگذارند! این نمی شود؛ این نمی شود. این نشانه‌ی بیصبری و نشانه‌ی خسته شدن است. گاهی این خسته شدن را - که خودشان خسته شده اند - به مردم نسبت می دهند؛ مردم خسته شده اند؛ نه، نخیر... ما حق نداریم از شعارهای انقلاب و شعارهای اسلام عقب نشینی کنیم.» ● ۱۴۰۰/۱۱/۲۸

ادامه از صفحه ۱

و مزدور پروری میکنند؛ بعضی ها را با تهدید، بعضی ها را با تطمیع و انواع و اقسام این چیزها. بنابراین الان یک جنگ نرم سختی وجود دارد.» ● ۱۴۰۰/۱۲/۱۹

با توجه به نقش ویژه خواص در حرکت عمومی جامعه، چگونه می توان خواص همسو با دشمن را شناخت و مراقب تأثیرات منفی آنها در مسیر جامعه بود؟

یک، حق را بشناسیم و گرفتار شخصیت ها نشویم

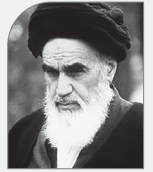
(إِغْرِفِ الْخَقِّ، تَعْرِفُ أَهْلَهُ)؛ این سخن نورانی امیرالمؤمنین علیه السلام کلید شناخت حق از باطل است؛ از شناخت حق باید اهل حق را شناخت، نه بالعکس. تاریخ اسلام همواره شاهد ریزش ها و رویش های فراوان و گوناگون بوده است؛ اصولاً مواضع اشخاص و رجال به تنهایی حجت نیست. باید با بصیرت دنبال شناخت حق از باطل و حق از حق نما بود تا در دام شبهات و لغزش ها گرفتار نشویم. حتی نباید مرعوب سوابق مبارزاتی و انقلابی برخی رجال شد! در طول تاریخ اسلام کم نبوده اند رجالی که سوابق درخشان انقلابی و پیشینه مجاهدت های فراوان داشته اند، اما به مرور بر اثر ضعف مبانی، اسیر ظواهر دنیا، القائات نفسانی و تسویل های شیاطین جن و انس گشتند و حق را نهادند و با توجه تراضی به دنبال مطامع خویش رفتند. کلام امام خمینی علیه السلام که: «میزان در هر کس حال فعلی اوست» راهنمای بسیار خوبی برای شناخت خواص است.

روزی که زبیر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مدال سیف الاسلامی را گرفت هیچ گاه کسی فکر نمی کرد که همان شمشیر روزی در برابر جبهه حق قرار گیرد. لغزش برخی افرادی که روزگاری سابقه مجاهدت و انقلابی گری داشته اند هیچ گاه دلیل تشکیک در حقانیت و دستاوردهای انقلاب اسلامی نیست. کم نبوده اند اشخاصی که حتی سوابق انقلابی نداشته اند، اما خود را دل سوز و انقلابی نشان می دهند. «حالاً انسان می شود که افرادی می گویند نظام از هدف های انقلاب دور شده؛ می خواهند نشان بدهند که به انقلاب دل بسته اند. من قبول ندارم این حرف را؛ من دل بستگی آن ها به انقلاب را هم قبول ندارم.» ● ۱۴۰۰/۱۱/۲۸

به روشنگری درباره این عده پرداخته اند؛ (دیروز مقدس نماهای بی شعور می گفتند دین از سیاست جداست و مبارزه با شاه حرام است، امروز می گویند مسئولین نظام کمونیست شده اند؛ تا دیروز مشروب فروشی و فساد و فحشا و فسق و حکومت ظالمان برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه را مفید و راهگشا می دانستند، امروز از اینکه درگوشه ای خلاف شرعی که هرگز خواست مسئولین نیست رخ می دهد، فریاد و اسلاما سر می دهند!)

دو، تفاوت های مدعیان و وفاداران خط امامی

راه تشخیص مدعیان خط امام و انقلاب از منتقدان حقیقی و مطالبه گران دل سوز، روشن است؛ کسی که ادعا و مطالبه ای



جمهوری اسلامی در دست شما امانت است

شما ملت عزیز با قدرت خودتان، با ایمان خودتان، با تحولی که درتان واقع شد، دست تبهکاران را در داخل و دست غارتگران را که از خارج دراز شده بود قطع کردید. شما یک حکومت طاغوتی را برداشدید و به جای او یک حکومت اسلامی گذاشتید. شما بی که این کار را کردید باید دنبالش باشید تا نگاهش دارید، نمی شود که انسان یک کاری بکند و نیمه کاره رهاش کند. امروز که اسلام و جمهوری اسلامی در دست شما و ما همه ملت ایران امانت است، اگر چنانچه خلاف بکنیم، خلاف مصالح جمهوری اسلامی بکنیم، خلاف مصالح اسلام بکنیم، به این امانت خیانت کردیم.

۱۳۶۳/۶/۲۳ •

خانواده ایرانی

حجاب حریم و تکریم زن است

امروز در دنیا کاری کرده اند که یکی از مهمترین وظایف زن این است که جلوه گری کند، زیباییهای خودش را در معرض التناذ مردان قرار دهد؛ این شده خصوصیت حتمی و لازم زن از آن باید خودش را در معرض دید مرد قرار دهد، برای اینکه مایه ی التناذ مرد شود! ظلمی از این بالاتر؟ اسم این را گذاشته اند آزادی، اسم نقطه ی مقابلش را گذاشته اند اسارت! در حالی که احتجاج زن، حجاب قرار دادن زن برای خود، تکریم زن است؛ احترام زن است؛ ایجاد حریم برای زن است. این حریم را شکستند و دارند روزه روز هم بیشتر میشکند؛ اولین یا شاید یکی از اولین آثار سوئی که این مسئله گذاشت، ویران کردن خانواده بود؛ بنیان خانواده سست شد. وقتی در یک جامعه ای خانواده متزلزل شد و از بین رفت، مفساد در این جامعه نهادینه میشود. ۱۳۹۲/۲/۱۱ •

احکام

حکم فروش لایک و فالوور

سؤال: فروش لایک و فالوور واقعی و یا ساختگی و دروغین (فیک) چه حکمی دارد؟

جواب: اگر واقعی باشد، در مواردی که مشتمل بر مفسده نباشد، فی نفسه اشکال ندارد، ولی اگر ساختگی و دروغین باشد، جایز نیست.

حضرت علی اکبر علیه السلام، شبیه ترین به پیامبر

امام حسین در دوران کودکی، محبوب پیامبر بود؛ خود او هم پیامبر را بی نهایت دوست میداشت. حضرت شش، هفت ساله بود که پیامبر از دنیا رفت. چهره پیامبر، به صورت خاطره بی زوالی در ذهن امام حسین مانده است و عشق به پیامبر در دل او هست. بعد خدای متعال، علی اکبر را به امام حسین میدهد. وقتی این جوان کمی بزرگ میشود، یا به حد بلوغ میرسد، حضرت میبیند که چهره، درست چهره پیامبر است؛ همان قیافه ای که این قدر به او علاقه داشت و این قدر عاشق او بود، حالا این به حد خودش شبیه شده است. حرف میزند، صدا شبیه صدای پیامبر است. حرف زدن، شبیه حرف زدن پیامبر است. اخلاق، شبیه اخلاق پیامبر است؛ همان بزرگواری، همان کرم و همان شرف.

بعد این گونه میفرماید: «کنا اذ اشتقنا الی نبیک نظرنا الیه»؛ هر وقت که دلمان برای پیامبر تنگ میشد، به این جوان نگاه میکردیم. ۱۳۷۷/۲/۱۸ •

یازدهم شعبان، سالروز ولادت حضرت علی اکبر علیه السلام و روز جوان تبریک و تهنیت باد

عکس نوشت

تکریم شهیدان و تعظیم در برابر خانواده های آنان، واجب بزرگ همیشه ی ماست

هر روز که بر نظام جمهوری اسلامی ایران میگذرد و افقهای تازه آشکار میگردد و فرزندانشیبهای این راه پرافتخار نمایان تر میشود، ارزش جانبازی شهیدان جلوه ی بیشتر می یابد. آنان با خون خود بنیان این سازه ی عظیم و پُرشکوه را مستحکم کردند و نهال نوری را به درخت سستبر و ریشه داری تبدیل نمودند. میدان مجاهدت در عرصه های گوناگون همچنان گشوده است، و قلّه ی جهاد، شهادت است؛ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ. تکریم شهیدان و تعظیم در برابر خانواده های صبور آنان، واجب بزرگ امروز و همیشه ی ما است. ۱۳۹۷/۷/۵ •

انتشار به مناسبت ۲۲ اسفندماه؛ روز بزرگداشت شهدا



حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای کارون در تاریخ ۱۳۸۷/۲/۱۶

بیانیه گام دوم

از مهمترین کارها در انقلاب اسلامی و نظام ترسیم چشم انداز است

یکی از مهم ترین کارها در انقلاب اسلامی و نظام اسلامی ترسیم چشم انداز است، تا معلوم بشود که ما کجا می خواهیم برویم، یک وقت است که در مقام فکر و تئوری و این قبیل چیزها حرف میزنیم، خب انسان خیلی حرفها دارد و دستمان پر است الحمدلله، اما ما الان در وسط میدانیم؛ بحث ما از بحث تئوری و بیان ذهنی و فکری گذشته؛ عبور کرده ایم. باید مشخص کنیم که چه کار داریم میکنیم، کجا داریم میرویم، هدفمان چیست. نگاه به این آینده ی چهل ساله، در واقع میتواند یک پایه ای بشود برای برنامه ریزی، برای پیش آگهی، تا بدانیم که چه اتفاقاتی ممکن است برای ما بیفتد؛ پیش بینی ها و آماده سازی ها؛ هم پیش آگهی است برای اینکه بدانیم چه اتفاق می افتد، هم آماده سازی است برای اینکه بتوانیم برنامه ریزی کنیم و کار را انجام بدهیم. ۱۴۰۰/۱۱/۵ •

جهاد تبیین

هیئت کانون جهاد تبیین است

هیئت، کانون جهاد است؛ جهاد فی سبیل الله، جهاد در راه احیای مکتب اهل بیت، مکتب امام حسین علیه السلام، مکتب شهادت، خب انتمه علیه السلام چه جور جهادی می کردند؟ انتمه جهاد نظامی که نمی کردند؛ جزم معدودی - فقط حضرت امیر المؤمنین، امام حسن مجتبی و حضرت امام حسین با شمشیر جنگیدند - بقیته ی انتمه که با شمشیر جنگیدند؛ جهاد شان چه بود؟ «جهاد تبیین»؛ همین که بنده مکرر تکرار میکنم تبیین یا جهاد تبیین، تبیین کنید، روشنگری کنید، هیئت، محلّ جهاد تبیین است، به نظر من از این «آحیوا المؤمنا» این نکته ی بسیار مهم استفاده میشود. در هیئتها تبیین مکتب میشود. اینکه عرض میکنیم «میشود»، یعنی باید بشود. طبیعت هیئت این است؛ هیئت محلّ تبیین است، محلّ بیان است، محلّ بیان مهم ترین مفاهیم معارف اسلامی و معارف علوی است، محلّ پاسخ به سوآلهای است. ۱۴۰۰/۱۱/۳ •